

# بررسی نوع نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان در شهر کاشان

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲

رحمان سنگانه<sup>۱</sup>، محمد گنجی<sup>۲</sup>، قدرت‌الله خسروشاهی<sup>۳</sup>، عباس زراعت<sup>۴</sup>

از صفحه ۹ تا ۲۰

## چکیده

**زمینه و هدف:** این پژوهش باهدف تشریح و تبیین نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری و شناسایی نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های آن از منظر ضابطان، در پی پاسخ به این پرسش است که ضابطان چه نگرشی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری دارند و نوآوری‌های پیش‌بینی شده، به چه میزان از منظر آنان قابلیت اجرا دارد.

**روش‌شناسی:** در این پژوهش از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شد. در بخش اسنادی ضمن تشریح قانون آیین دادرسی کیفری به مقایسه آن با قوانین گذشته، پرداخته شده و در بخش پیمایشی هم با توزیع پرسش‌نامه در بین ۲۷۲ نفر از ضابطان شاغل در یگان‌های انتظامی، اجرایی و پلیس‌های تخصصی شهرستان کاشان، میزان توافق آنان و قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون یادشده، توصیف و تحلیل شده است.

**نتایج و یافته‌ها:** برخی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که افسران ارشد نسبت به درجه‌داران و افسران جزء، نگرش مثبت‌تری به نوآوری‌های قانون دارند، به طوری که برخی از مهم‌ترین موضوع‌هایی که ضابطان بیشترین توافق را در زمینه قابلیت اجرا قائل بودند، عبارت‌اند از: گذراندن دوره آموزشی زیر نظر دادستان برای انجام اقدامات قضایی از قبیل پژوهش‌های جنایی یا اجرای دستورهای مقام‌های قضایی با قید مدت اجرا، تفهیم اتهام فوری متهم بعد از دستگیری و اعلام فوری به دادستان در جرم مشهود؛ اعلام تحت نظر بودن متهم در یگان انتظامی به خانواده وی؛ جلوگیری از افشاء هويت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود، آگاهان و اشخاص مرتبط با پرونده، انجام اقدامات احتیاطی و مراقبتی برای حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم و خانواده وی و خانواده متهم در برابر تهدیدها. همچنین نتایج دیگر، نشان می‌دهند که میانگین نگرش ضابطان به نوآوری‌های قانون در دامنه ۱-۴، ۲/۹۵ و میانگین موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون از منظر ضابطان ۲/۷۳ بوده و هر دو میانگین بیش از حد متوسط طیف مورد بررسی (۲/۵) است. از طرفی، با افزایش نگرش مثبت ضابطان، میزان موافقت آنان با قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون نیز بیشتر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** ضابطان نیروی انتظامی، حقوق شهروندی، آیین دادرسی کیفری، نوآوری‌های قانون

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، (نویسنده مسئول). رایانامه: [t.s.1394@vatanmail.ir](mailto:t.s.1394@vatanmail.ir)، همکار پژوهشی دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان اصفهان

۲- دانشیار رشته علوم اجتماعی دانشگاه کاشان، رایانامه: [ganjim.uk@gmail.com](mailto:ganjim.uk@gmail.com)

۳- استادیار رشته حقوق دانشگاه اصفهان، رایانامه: [ghkho44@yahoo.com](mailto:ghkho44@yahoo.com)

۴- استاد رشته حقوق دانشگاه کاشان

## مقدمه

آیین دادرسی کیفری آوردگاه تقابل حقوق، تکالیف و اقتدار حکومت و شهروندان است؛ زیرا حکومت در پی اختلال در نظم عمومی برای ارتکاب جرم به حکم وظیفه اولیه ایجاد امنیت و آسایش اجتماعی، طبق قواعد و ضوابط دادرسی کیفری به واکنش در برابر عاملان اجتماعی رویداد مزبور برمی خیزد؛ ولی مفاهیم و تعالیم حقوقی جدید که متأثر از آموزه‌های حقوق بشر و تکریم حکومت‌های مردم‌سالار هستند، حکومت‌ها را از توسل به هرگونه وسیله، روش یا واکنشی که متضمن تضییع و تحدید حقوق اساسی شهروندان باشد، برحذر داشته و اقدام‌های ایشان را معیاری برای سنجش احترام به حقوق و آزادی‌های عمومی می‌داند، چنان‌که ماریو پاگانو، حقوق‌دان قرن ۱۸ ایتالیا می‌گوید: «چنانچه به کشوری ناشناخته گام نهدید و مشتاق اطلاع از حدود و ثغور حمایت از آزادی‌های مدنی باشید، به قانون آیین دادرسی کیفری آن کشور مراجعه کنید» (رضوی، ۱۳۹۲: ۲۸). در سال ۱۳۹۲ دو قانون مهم و جامع جزایی، یکی در امور ماهوی و دیگری در امور شکلی، پس از سال‌ها بررسی به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید. قانون آیین دادرسی کیفری مانند قانون مجازات اسلامی دو ایراد اساسی دارد: اول اینکه آزمایشی است و دوم اینکه قانونگذار در طول چند دهه گذشته، همواره به جای تعمق و تأمل در قوانین موجود و یافتن ایرادهای آن و اصلاح یا تکمیل موارد قبلی، همه قانون را کنار نهاده و قانون جدیدی را از ابتدا تا انتها تدوین و تصویب می‌کند. این امر از یکسو موجب بروز ایرادهای جدید در مقام اجرای قانونی که سابقه اجرا نداشته می‌شود و از سوی دیگر، حقوق دانان، قاضیان، وکیلان و دست‌اندرکاران به‌خصوص ضابطان، مدت‌ها برای یافتن موضوع‌های مورد نظر، سرگردان می‌شوند (سلیمی و بخشی‌زاده‌اهری، ۱۳۹۳: ۱).

قانون‌گذار نوآوری‌هایی در بخش رعایت حقوق متهمان، بزه‌دیدگان و وظایف مقدماتی ضابطان مقرر و تشکیل نهادهایی را به‌دنبال اصول دادرسی کشورهای پیشرفته برای آنان، پیش‌بینی کرده که کارکردهای ساختاری و مدیریتی، نوع نگرش ضابطان و تناسب زیرساخت‌های مورد نیاز با وجود نوآوری‌های قانون، نیازمند بررسی

است. نشانه‌هایی در وجود مشکل‌های ناشی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری می‌توان یافت، چنانچه در ابتدای تصویب، رییس قوه قضائیه خواستار تعویق اجرای قانون طی دو مرحله، برای کمبود نیروی انسانی شد؛ کارت ویژه ضابط صادر نشده؛ نظریات مشورتی متعددی در رابطه با اجرای تکالیف ضابطان صادر شده؛ پلیس اطفال و نوجوانان تشکیل نشده و ساختاری برای آن تعریف نشده؛ تعدادی از آیین‌نامه‌های اجرایی قانون در بخش ضابطان هنوز تدوین و اجرایی نشده؛ دستورالعمل‌های متعددی در راستای اجرایی شدن این نوآوری‌ها ابلاغ شده، از جمله کیفیت حضور و ملاقات متهم با وکیل و ترتیبات مربوط به قاضی کشیک و دیگر موارد صادر شده است. تغییرات و نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به تقلید از قوانین نظام‌های مختلف حقوقی تدوین شده است و اگرچه در برخی زمینه‌ها، کشورهای فرانسه، اردن، عربستان و مصر با حقوق ایران اشتراک دارند و برخی آنها مانند فرانسه و اردن از سیستم قضایی پیشرفته برخوردارند، اما پلیس و ضابطان ایران تفاوت‌های ماهوی و شکلی بسیاری با این کشورها داشته و مقرر داشتن تکالیفی برای آنان متأثر از این گونه کشورها، می‌تواند چالش‌هایی به دنبال داشته باشد، چنانچه در عمل مشاهده می‌شود، هنوز سازوکارهایی برای اجرای برخی نوآوری‌های این قانون از جمله تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان، صدور کارت ویژه ضابط، حضور وکیل در یگان‌های انتظامی، اقدام‌های شهروندان در جرائم مشهود، معاینه پزشک از فرد تحت نظر و موارد دیگر پیش‌بینی نشده و برخی سازوکارها در زمینه تماس و آگاهی‌دادن به خانواده فرد تحت نظر، پرهیز از اقدامات ضابطان توسط کارکنان وظیفه و استثنابودن اقدامات آنان، رعایت شرایط تحت نظر، استثنابودن دستورات شفاهی، پذیرش دائمی شکایت بزه‌دیده، پرهیز از بازرسی مکان‌های بی‌ارتباط با جرم و موارد دیگر، به صورت ناقص اجرا می‌شود. ادامه چنین روندی، پیامدهای خطرناکی در بعد داخلی و بین‌المللی خواهد داشت، به خصوص هنگامی که ایران قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ را

در سال ۱۳۵۴ شمسی<sup>۱</sup> تصویب و نظارت‌های بین‌المللی در راستای اجرای تعهدنامه‌های بین‌المللی حاکم شد. این پژوهش با هدف، شناسایی نوع نگرش ضابطان و میزان قابلیت اجرای این نوآوری‌ها از منظر آنان، در پی پاسخ به این پرسش‌ها است که ضابطان چه نوع نگرشی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری دارند و نوآوری‌های پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری به چه میزان از منظر ضابطان قابل اجرا است.

### مبانی نظری پژوهش

ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ این تعریف را ارائه داده: «آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، پژوهش‌های مقدماتی، میانجی‌گری، صلح میان طرف‌ها، نحوه رسیدگی، صدور رأی، شیوه‌های اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقام‌های قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود».<sup>۲</sup> این قانون در بخش‌های مختلف خود نوآوری‌هایی را متأثر از حقوق شهروندی، معاهده‌های بین‌المللی به‌خصوص میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، تحول‌های نوین علمی و جرم‌شناسی پیش‌بینی کرده که از مهم‌ترین بخش‌ها، فصل مربوط به تکلیف‌های ضابطان است که نوآوری‌هایی را در موضوع حقوق بزه‌دیده، متهم و جامعه همان‌طور که در تعریف ماده ۱ این قانون آمده، داشته است. در ادامه به برخی از نوآوری‌های قانون یادشده اشاره می‌شود:

**نوآوری‌های تکالیف زمینه‌ای ضابطان:** در فصل تکالیف ضابطان، قانون‌گذار نوآوری‌هایی مقرر داشته که مربوط به حقوق متهم و بزه‌دیده نبوده و زمینه اجرای تکالیف آنان است که منتفع آن عموم جامعه هستند، بنابراین در اینجا با نام

۱- ماده واحده: میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی مشتمل بر یک مقدمه و پنجاه و سه ماده که در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و از طرف نماینده مختار دولت ایران در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۶۸ (۱۳۴۷/۱/۱۵) در نیویورک امضاء شده است تصویب و اجازه تسلیم سند تصویب آن داده می‌شود. قانون یادشده مشتمل بر یک ماده و متن میثاق ضمیمه پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز سه‌شنبه ۲۳ آبان‌ماه ۱۳۵۱ در جلسه روز چهارشنبه هفدهم اردیبهشت ماه یک‌هزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی به تصویب مجلس سنار رسید.

نوآوری‌های تکالیف زمینه‌ای ضابطان آمده که عبارت است از: شرایط احراز ضابطیت: برابر ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزش زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیق و اقدام‌های صورت گرفته از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع و از نظر قانونی بدون اعتبار است». پیش‌بینی دریافت کارت ویژه ضابطان و به عبارتی تخصصی شدن ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ وجود نداشته است. با این وصف، تخصصی شدن ضابطان از موضوع‌های مهمی بوده که دور از ذهن مسئولان نبوده است، چنانچه ماده ۲۰۸ قانون برنامه پنجم توسعه، به تقویت حرفه‌ای‌گرایی با آموزش‌های تخصصی در نیروی انتظامی، تأکید دارد<sup>۱</sup>، در بند ۲ قسمت ج ماده ۲۱۱ این قانون، قوه قضائیه را برای تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها، مکلف به تخصصی کردن آن‌ها کرده است<sup>۲</sup>. به این موضوع در بند ۱۶ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، اشاره شده است. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، بخش عمده‌ای از اختیارات و وظایف مربوط به انجام دستورهای قضایی، بر عهده افسران قضایی گذاشته شده و دیگر مأموران از دخالت در آن منع و پلیس قضایی را در انجام مأموریت‌شان یاری می‌کنند (استفانی، ۱۳۷۷: ۴۴۷). در مستندات گذشته، نحوه اقدامات قوه قضائیه و نیروی انتظامی در صدور کارت ویژه ضابطان و ضمانت اجرای اقدام‌های مأموران فاقد کارت مشخص نشده در حالی که قانون‌گذار در این ماده، نه تنها تحقیقات انجام گرفته توسط ضابطان فاقد کارت ویژه ضابطان را دارای ضمانت اجرای بطلان می‌داند، بلکه برای ضابطان ضمانت اجرای انفصال خدمت در نظر گرفته است. تخصصی نمودن همه ضابطان صحیح نیست، چه بسا کارکنان درجه‌دار و تازه

۱- «به منظور مدرن سازی و توسعه حرفه‌گرایی و کارآمدسازی و تقویت نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با توافق دولت و ستاد کل نیروهای مسلح اقدامات زیر در طول برنامه به مورد اجرا گذاشته می‌شود: الف- فراهم آوردن ساز و کار و امکانات لازم برای بهره‌مندی نیروی انتظامی از فناوری‌های نوین و تجهیزات پیشرفته در جهت «فناور پایه سازی پلیس» ب- تقویت حرفه‌گرایی با توسعه آموزش‌های تخصصی»

۲- «تدوین طرح تخصصی کردن ضابطان قضائی در جهت توانمندسازی و آموزش تخصصی آنان، تا پایان سال اول برنامه».

استخدام که در یگان‌های انتظامی مشغول به خدمت شده‌اند با آموزش اندک، نمی‌توانند مهارت و تخصص یک ضابط را پیدا کنند، بنابراین لازم است در این زمینه تمهیدهایی برای صدور کارت ویژه ضابطان در نظر گرفت.

در ماده ۳۰، اشاره به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و دریافت کارت ویژه ضابطان دادگستری شده است. آموزش پلیس، از جمله موضوع‌های مورد نظر قانون‌گذار و مسئولان بوده چنانچه، برابر ماده ۲۰ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، به موضوع آموزش نیروی انتظامی تأکید داشته و در بند ب و ج ماده ۵۲، ۶۳ و ۴۵ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، وظایفی برای فرماندهان و کارکنان برای ارتقاء آموزش و مهارت مقرر کرده است. با این وصف، آموزش مورد نظر در ماده ۳۰ این قانون، ناظر به آموزش‌های مربوط به ضابطان است درحالی‌که آموزش‌های مورد نظر آیین‌نامه انضباطی، آموزش‌های کلی، تخصصی، نظامی و مدیریتی است. آموزش مورد نظر ماده ۳۰، توسط مقام‌های قضایی باید انجام گیرد و این وجه تمایز آموزش‌های اشاره شده در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح است. مشابه این ماده در قانون آیین دادرسی کیفری مشاهده نمی‌شود، اما در قانون اصول محاکمه‌های جزایی محدودبودن اقدام‌های ضابطان به رئیس شهربانی و بریگارد ژاندارم مشاهده می‌شود که البته ناظر به ایجاد تخصص با آموزش ضابطان نیست. به نظر می‌رسد موضوع‌هایی مانند انتقال‌های داخلی و سراسری، کمبود کارکنان و کم تجربه بودن کارکنان شاغل در یگان‌های انتظامی از مشکل‌های فراروی ضابطان در اجرای این ماده باشد.

تبصره ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، سربازان وظیفه را از زمره ضابطان حذف کرده است. ضابط نبودن کارکنان وظیفه در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، به صراحت مشخص نشده و این تبصره، نوآوری جدیدی در این زمینه است. گرچه این موضوع در قوانین گذشته مسکوت بود؛ اما حساسیت، تخصص و تعهد شغل ضابطان، ایجاب می‌کند تا کارکنان نیروهای مسلح به خصوص سربازان وظیفه، مشمول این عنوان نباشند. با این وصف، کمبود کارکنان، حجم و تراکم زیاد مأموریت‌های محوله در نیروی انتظامی، می‌تواند مشکل‌هایی فراروی ضابطان در اجرای این تبصره ایجاد

کند. در این زمینه مشکل‌های تعدد محاکم در صورت بروز جرم از سوی سربازان وظیفه و ضابطان در اجرای اقدام‌های ضابطان قابل بررسی است.

کیفیت دستورهای قضایی: برابر ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری، «دستورهای مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورها و درج مراتب و اقدام‌های معموله در صورت مجلس، در اسرع وقت و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت آن را به امضاء مقام قضایی برساند». در ماده ۲۰ قوانین موقتی محاکمات جزایی مصوب ۱۳۳۰ آمده بود: «کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان، همین‌که از وقوع جرمی مطلع شدند هرگاه جرم به درجه جنایت باشد فوراً مراتب را به مدعی‌العموم یا معاون او اطلاع می‌دهند و اگر جرم از درجه جنحه یا خلاف باشد تحقیق نموده، صورت مجلس را در صورت اولی (جنحه) نزد مدعی‌العموم ابتدایی و در صورت ثانوی (خلاف) نزد امین صلح می‌فرستند». گرچه در این ماده نحوه اطلاع‌دادن منوط به نوع جرم ارتكابی است، اما نحوه اطلاع‌دادن اعم از شفاهی و کتبی مشخص نشده بود. قانون‌گذار، در قانون آیین دادرسی کیفری سابق در این خصوص اشاره‌ای نداشت. بنابراین ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، از نوآوری‌های این قانون تلقی می‌شود. البته بند ۱ از ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، بر لزوم صدور دستورهای قضایی به صورت مشخص و شفاف تأکید کرده، اما اشاره‌ای به دستورهای شفاهی و موارد ضروری آن نکرده است. مشکل‌های موجود در زمینه صدور دستورهای شفاهی از دغدغه‌های مسئولان قضایی بوده است، چنانچه ریاست قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۶ در بخشنامه‌ای به قاضیان دادگاه‌های عمومی، انقلاب و نظامی سراسر کشور<sup>۱</sup>، پرهیز از دستورهای شفاهی را خواستار شده است (کارخیران،

۱- «پیرو بخشنامه شماره ۱۸۰.۱۸۸۲۶ تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۴ اطلاع رسیده حاکی است که تعدادی از قضات به صدور دستورهای شفاهی در پرونده‌های ارجاعی به واحدهای انتظامی بسنده و بر اجرای آنها تأکید کرده‌اند! خواستن اقدام شفاهی از ضابطان یا مراجع و مقام‌های دیگر نه تنها وجهت قانونی ندارد و برای آنان الزام و تکلیفی را ایجاد نمی‌کند؛ بلکه به لحاظ عدم درج در پرونده یا ثبت و ضبط در واحدهای اداری و انتظامی، فراموش و موجب اتلاف وقت و عدم امکان اعمال نظارت صحیح و تضييع حقوق صاحبان پرونده خواهد شد....»

(کارخیران، ۱۳۹۳: ۱۰۸). این ماده می‌تواند منجر به ایجاد رویه‌ای یکسان شده و ضمن کاستن از نارضایتی‌های اصحاب پرونده، به نوعی از تخلف‌ها و سوءاستفاده‌های احتمالی ضابطان و مقام‌های قضایی پیشگیری کند. به نظر می‌رسد زیرساخت‌هایی در زمینه شناسایی ضابطان از غیرضابطان، در تماس‌های تلفنی به‌منظور صدور دستورهای شفاهی لازم است.

**ضوابط دخالت شهروندان در جرم مشهود:** تبصره یک ماده ۴۵، شهروندان را مجاز به اقدام‌های لازم برای جلوگیری از فرار متهم و حفظ صحنه جرم در هنگام مشاهده وقوع جرائم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ (سلب حیات؛ حبس ابد؛ جنایت‌های عمدی علیه تمامیت جسمانی با ثلث دیه کامل و بالاتر از آن و تعزیر درجه ۱ تا ۴) در صورت مشهود بودن و نبود ضابطان، کرده است. این ماده از نوآوری‌های قانون جدید تلقی شده که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ وجود نداشته است. البته آموزش‌هایی برای مردم در ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی پیش‌بینی شده است و بند ۱۶ سیاست‌های کلی قضایی پنج ساله ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، حاکی از گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی در جامعه است، اما این موضوع، ناظر به اقدام‌های شهروندان در جرائم مشهود نیست.

در ماده ۲۷ قوانین موقتی محاکمات جزایی (آیین دادرسی کیفری) مصوب ۱۳۳۰ قواعد مقرر در فصل جرائم مشهود را که به کمیسرهای نظمیه تعلق دارد؛ فقط شامل کدخدا و اشخاصی می‌داند که به‌طور رسمی قائم مقام کمیسرهای نظمیه هستند.<sup>۱</sup> گرچه در قوانین کشورهای پیشرفته برای پیشگیری از جرم، مفاد مشابه این ماده وجود دارد؛ اما باید توجه داشت که سطح آگاهی‌های مردم این‌گونه کشورها از جرائم و مجازات به‌گونه‌ای است که در عمل، تالی فساد نیست، به‌عنوان مثال در ماده ۷۳ آیین دادرسی کیفری فرانسه آمده: «در مورد جنایت یا جنحه مشهود دارای مجازات حبس، هر شخصی برای دستگیری مرتکب این جرائم و هدایت فوری نزد پلیس قضایی صلاحیت دارد» (تدین، ۱۳۹۱: ۸۳). قانون‌گذار به آموزش و تخصص ناکافی



ضابطان اشراف داشته و بدین منظور، ترتیباتی را در مواد مختلف این قانون در این زمینه مقرر داشته، بنابراین به نظر می‌رسد آموزش‌نندگان به شهروندان در زمینه برخورد با جرائم مشهود، مشکل‌هایی را ایجاد می‌کند، چنانچه تشخیص جرائم موضوع بندهای الف تا ت ماده ۳۰۲ این قانون برای آنان و حتی ضابطان نیز دشوار است و از سوی دیگر، ممکن است حفظ صحنه و آلات و ادوات جرم که نیازمند تخصص و تجربه است، با اقدام‌های عادی شهروندان آموزش ندیده، با مشکل‌هایی مواجه شود.

**عدم بازرسی موضوع‌های بی‌ارتباط با جرم:** برابر ماده ۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری مکلف‌اند طبق مجوز صادره عمل کنند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند». این ماده از نوآوری‌های این قانون است و در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ به‌طور مبهم و کلی در ماده ۱۰۳ به مواردی مشابه اشاره شده بود. در ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ مقرر شده بود: «از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود پژوهش ارائه می‌شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد نشود». این ماده ناظر به سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم بوده درحالی‌که ماده ۵۶ قانون جدید به اشیاء، اشخاص و مکان‌های بی‌ارتباط با جرم اشاره دارد. در قانون گذشته، اقدام‌های احتیاطی در زمینه پرهیز از افشای محتوا و مضمون نوشته‌ها مورد نظر بوده درحالی‌که قانون جدید پرهیز از بازرسی و تحصیل آنها را مورد لحاظ قرار داده است. مخاطب قانون گذشته مقام‌های قضایی بود که باید رفتار محتاطانه با محتوای اوراق و نوشته‌های بی‌ارتباط داشته باشند درحالی‌که در قانون جدید، مخاطب قانون‌گذار، ضابطان دادگستری بوده که تکلیف به پرهیز از بازرسی اشیاء، اشخاص و اماکن را دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد مفهوم ماده ۱۰۳ قانون گذشته، ارتباطی به ماده ۵۶ قانون جدید نداشته و این ماده از نوآوری‌های قانون جدید برای رعایت هرچه بیشتر حقوق شهروندان توسط ضابطان است. بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی ۱۳۸۳، تعرض به اسناد و

مدارک و اشیاء بی‌ارتباط به جرم را لحاظ کرده و تأکید بر پرهیز از افشای مضمون آنها داشته است و تکمیل‌کننده موارد ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ است. در مجموع از آنجا که ماده ۵۶ قانون جدید، ضابطان را مخاطب قرار داده و موضوع آن پرهیز از بازرسی اشیاء، اشخاص و اماکن بی‌ارتباط با جرم است، نسبت به ماده ۱۰۳ قانون گذشته دارای نوآوری است و از آنجا که موضوع بازرسی را لحاظ داشته و اشاره به اشیاء، اشخاص و اماکن دارد، نسبت به بند ۸ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی دارای نوآوری است.

بسیاری از کشورها با هدف حفظ حریم مسکن اشخاص، برای بازرسی از منزل و محل سکونت متهمان مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی کرده‌اند (فرجیها و یاری، ۱۳۹۱: ۸). دادگاه اروپایی حقوق بشر، رعایت اصول و مقرراتی را در این زمینه پیش‌بینی کرده است. شروع بازرسی‌ها با حکم مقام‌های قضایی، رعایت تخصص و بی‌طرفی مأموران در انجام بازرسی‌ها، انجام بازرسی در روز، احتمال پیداشدن متهم یا کشف وسایل یا دلایل ارتکاب جرم در محل مورد بازرسی، لزوم آرایه کارت شناسایی به صاحب‌خانه و اعلام قسمت‌هایی که باید بازرسی شود، دعوت از مالک خانه برای حضور در بازرسی و بالاخره تنظیم صورت‌جلسه است (موالی، ۱۳۸۵: ۵۱).

### نوآوری‌های حقوق متهم

در فصل مربوط به تکالیف ضابطان، نوآوری‌هایی نسبت به حقوق متهم مشاهده می‌شود که در قانون آیین دادرسی کیفری سابق وجود نداشته است. البته برخی از این موارد در قوانین گذشته به‌صورت پراکنده و غیراصولی مشاهده می‌شود که در عمل متروک شده یا سازوکاری برای اجرای آن وجود نداشته است. این نوآوری‌ها عبارت‌است از:

اعلام تحت نظر بودن افراد: برابر ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه فردی خارج از وقت اداری به‌علت هریک از عناوین مجرمانه تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به دادستان یا قاضی کشیک اعلام شود. دادستان یا قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی نماید و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن متهم اقدام قانونی به عمل آورد». این ماده از

نوآوری‌های قانون است که در قانون گذشته وجود نداشت. در بند ۱۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی<sup>۱</sup> بر نظارت محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های ضابطان و نحوه رفتار مأموران تأکید داشته، اما این بند، به زمان اعلام تحت نظری و بازدید و حضور دادستان یا قاضی کشیک اشاره‌ای ندارد و بنابراین، این ماده از این جهت که زمانی را برای اعلام تحت نظری مقرر کرده و دادستان و قاضی کشیک را موظف به بررسی و حضور کرده، از نوآوری‌های آن تلقی می‌شود. هر چند نوع جرم در این ماده مشخص نشده؛ اما می‌توان استنباط کرد، عناوین مجرمانه باید مشهود باشد تا ضابطان بتوانند در صورت وجود شرایط مواد ۴۴ و ۴۶، شخص را تحت نظر قرار دهند.

در این ماده، مهلت زمانی یک ساعت تعیین شده و این در حالی است که برابر ماده ۴۶، می‌توان متهم را در شرایطی تا ۲۴ ساعت تحت نظر قرار داد. این دو ماده با هم مغایرتی ندارد و در جمع این مواد می‌توان گفت، ماده ۴۶ ناظر به این است که حداکثر مدت زمان قانونی تحت نظر قرار دادن متهم ۲۴ ساعت است که موضوع باید ظرف یک ساعت به اطلاع دادستان یا قاضی کشیک رسانده شود تا ایشان مدت ۲۴ ساعت را در صورت نیاز، تجویز کنند. نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه طی شماره ۱۵۹۲/۹۳/۷ - ۷/۷/۱۳۹۳ اعلام می‌کند: «مطابق ماده ۴۷ قانون مارالذکر، چنانچه شخص در خارج از وقت اداری به لحاظ ارتکاب جرم تحت نظر قرار گیرد، ضابطان مکلفاند حداکثر ظرف یک ساعت، مراتب را به دادستان یا قاضی کشیک اعلام نمایند. مقام‌های قضایی مذکور نیز در صورت ضرورت با حضور در محل، متهم را تحت نظر قرار دهند و اگر فاصله متهم تا دادر یا مقام‌های قضایی زیاد باشد، دستور اقدام‌های مقتضی را به ضابطان داده که حداکثر ظرف ۲۴ ساعت، متهم را به دادستان یا قاضی کشیک معرفی کنند».<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد تأخیر در زمان ورود شخص

۱- «محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود».

۲- روزنامه رسمی مورخ ۹۳/۱۱/۱۸، شماره ۲۰۳۶۹

به تحت نظر گاه به دلیل تراکم مأموریت و مشغله متصدیان تحت نظر گاه، مشکل‌هایی در این زمینه ایجاد کند. مسافت زیاد برخی یگان‌های انتظامی با داسراها، ممکن است موجب افزایش صدور دستورهای شفاهی را فراهم آورده و آن را از حالت استثنا خارج و مشکل‌هایی در این زمینه ایجاد کند.

شرایط حضور وکیل در یگان انتظامی و ملاقات با متهم: برابر ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «با شروع تحت نظر قرار گرفتن، متهم می‌تواند تقاضای حضور وکیل نماید. وکیل باید با رعایت و توجه به محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات، با شخص تحت نظر ملاقات نماید و وکیل می‌تواند در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از یک ساعت باشد، ملاحظات کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه دهد». حضور وکیل در مرحله تحت نظر، موضوع جدیدی است که در قانون گذشته، به صراحت مشخص نشده بود. در ماده ۱۲۸ و تبصره آن در قانون گذشته به حق متهم در استفاده از وکیل اشاره شده بود.<sup>۱</sup> در قانون گذشته به وکیل اجازه داده شده بود در پایان تحقیقات مطالبی برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند به قاضی اعلام کند و این نشانگر حضور وکیل در دادگاه و یا داسرا است و ناظر به حضور در یگان‌های انتظامی نیست، بنابراین این ماده از آنجا که حضور وکیل در یگان‌های انتظامی به محض تحت نظر قرار گرفتن و درج مطالب قبل از حضور در داسرا را مورد لحاظ قرار داده، نسبت به قانون گذشته دارای نوآوری است. بند ۳ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی ۱۳۸۳، موضوع حق وکیل برای متهم را لحاظ کرده<sup>۲</sup> است. این بند، محاکم و داسراها را مکلف به رعایت این حق و فرصت استفاده از وکیل کرده و این موضوع، ناظر به حضور وکیل در یگان انتظامی و بعد از تحت نظر قرار گرفتن نیست و از این نظر، نسبت به این قانون

۱- «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود. تبصره- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرائم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

۲- محاکم و داسراها مکلف‌اند حق دفاع متهمان و مشتکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.

نیز دارای نوآوری است. به نظر می‌رسد تداخل زمان تحت نظر قرار گرفتن شخص و محدودیت‌های زمانی ورود و خروج به یگان‌های انتظامی، حضور و کیل در یگان‌های انتظامی را با دشواری‌هایی مواجه سازد. نداشتن وکالت‌نامه از شخص در زمان تحت نظر قرار گرفتن، ممکن است محدودیت‌هایی در ملاقات با وکیل ایجاد کند.

اطلاع‌رسانی به خانواده شخص تحت نظر: برابر ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادسرای محل اعلام می‌شود. دادستان هر شهرستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌نماید و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رییس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق درباره تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است». این ماده در راستای تضمین حقوق شخص تحت نظر و خانواده اوست. پیش‌بینی چنین ماده‌ای از دستاوردهای نوین قانون حاضر و متأثر از بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد همراه نداشتن اوراق هویتی به‌خصوص در مورد دستگیرشدگان جرائم مشهود و یا ارائه اطلاعات غلط از سوی آنان و نیز تأخیر در زمان تحت نظر قرار گرفتن به دلیل حجم زیاد مأموریت‌ها و چندشغله بودن مسئولان تحت نظرگاه، اطلاع‌رسانی صحیح به مراجع قضایی و خانواده شخص تحت نظر و نیز زمان اعلام آن را با مشکل‌هایی مواجه سازد.

در اختیار گذاشتن امکانات ارتباطی به متهم برای تماس با خانواده: برابر ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر

۱- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ايجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرنده».

وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفاند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت، باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضائی برسانند». این ماده نیز از نوآوری‌های قانون جدید بوده که در قانون گذشته وجود نداشته است و مانند ماده ۴۹ و بند ۵ قانون حقوق شهروندی، در راستای تضمین حقوق متهم پیش‌بینی شده است.

قانون‌گذار به ضابطان اختیار داده، زمانی که تشخیص دهند شخص تحت نظر از چنین حقی نباید استفاده کند، او را از حق یادشده محروم کنند. اعطای چنین اختیاری به ضابطان بدون ذکر مصادیق و بدون پیش‌بینی ضمانت اجرا، در عمل ممکن است متهم را از حقوق مقرر در صدر ماده محروم کند. در برخی موارد، ایجاد اغتشاش و ناامنی پس از آگاهی خانواده از تحت نظر بودن شخص و نیز تعصب‌های قومی و محلی در تحت نظر بودن، ممکن است فرایند آگاهی دادن به خانواده متهم را با مشکل‌هایی مواجه سازد.

معاینه پزشک از شخص تحت نظر: برابر ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود». حق معاینه پزشکی از حقوقی است که برای اولین بار مورد تأکید قانون‌گذار ایران قرار گرفته است. لزوم رعایت رفتار انسانی با متهمان و اجرای قانون حقوق شهروندی دلایل وجود این ماده را توجیه می‌کند.

گرچه این موضوع، برای پیشگیری از سوء رفتار با متهم مفید است؛ اما مفاد این ماده زمانی انجام می‌پذیرد که شخص تحت نظر یا خانواده وی درخواست معاینه کرده باشند و بدون چنین درخواستی، ضابطان نه حقی بر چنین امری دارند نه تکلیف بر آن. به نظر می‌رسد درخواست حضور پزشک هم می‌تواند از ضابطان و هم از دادستان و قاضی کشیک انجام شود که البته نپذیرفتن آن از سوی ضابطان، دارای ضمانت اجرا است. پیش‌بینی نکردن هزینه حضور پزشک، نحوه درخواست، نبود سازمان خاص با

سازوکار مناسب و مشخص نبودن وظایف محوله، ممکن است مشکل‌هایی در اجرای این ماده ایجاد کند.

آگاهی دادن به متهم در خصوص حقوق قانونی: برابر ماده ۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفاند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند». در قانون گذشته، تکلیف به اعلام حقوق دفاعی شخص تحت نظر مورد توجه قانون‌گذار واقع نشده بود. این ماده ضمانت اجرایی مواد مربوط به حقوقی است که شخص طبق قانون جدید، در زمان تحت نظر بودن دارا است از جمله حقوق مربوط به اشخاص تحت نظر مندرج در ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی؛ آگاهی از موضوع و ادله اتهام انتسابی؛ حق دسترسی به وکیل؛ حق آگاه ساختن خانواده و آشنایان خود از تحت نظر بودن و حق معاینه پزشکی. ضمانت اجرای این ماده، مربوط به همه اعمال اشاره شده اعم از تفهیم (که البته مشخص نیست شفاهی یا کتبی) و در اختیار گذاشتن به صورت کتبی، دریافت رسید و پیوست به پرونده است.

در حقوق انگلیس، متهم باید از حق خودش برای مشاوره حقوقی مستقل<sup>۱</sup> و مجانی<sup>۲</sup> مطلع شود. افسر بازداشت مسئول ایجاد سابقه بازداشت<sup>۳</sup> است که هم شخص دستگیر شده و هم مشاور حقوقی باید آن را مشاهده و از آن روگرفت داشته باشند تا مشخص شود آیا حقوق دستگیرشده رعایت شده یا نه و مبانی توقیف به صورت دوره‌ای براساس قواعد حاکم بر بازبینی مبانی توقیف، مورد بازبینی قرار گیرد. مظنون یکبار باید از حق مشاوره حقوقی رایگان مطلع شده اعم از اینکه دستگیر شده یا داوطلبانه در اداره پلیس حاضر شده است. همچنین یک پوستر که حق مشاوره حقوقی را اعلام می‌کند، باید به صورت آشکار در اداره پلیس نمایش داده شود (پروویزی فرد، ۱۳۹۱: ۸۵).

1- Independent  
2- Free of charge  
3- Custody record

شرایط تحت نظر و بازجویی: برابر ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «ضابطان دادگستری مکلفاند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است را در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضا یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفاند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند». در قانون گذشته چنین موضوعی وجود نداشت و فقط در ماده ۱۵۸ به قاضی تکلیف کرده بود که از تراشیدن کلمات و نوشتن بین سطوح در بازجویی‌ها اجتناب کنند.

در بندهای ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳ مقرراتی در این زمینه آمده است. در عمل مشاهده می‌شود در یگان‌های انتظامی، مشخصات فرد تحت نظر، علت تحت نظر و زمان شروع و خاتمه تحت نظری در دفتری با کد ۱۰۵ و نیز سامانه‌های رایانه‌ای نزد ضابطان ثبت و به امضای فرد تحت نظر می‌رسد. همچنین زمان شروع و خاتمه بازجویی از فرد تحت نظر، مشخصات بازجو در اوراق چاپی بازجویی وجود داشته و تنها زمان استراحت بین بازجویی لحاظ نمی‌شود و مواد مورد نظر قانون‌گذار برابر رویه در حال انجام بوده و هست. با این وصف، این ماده مقررہ جدیدی است که کلیه حقوق را در یک صورت جلسه به منظور آگاهی بخشی فرد تحت نظر لحاظ کرده و از سوی دیگر، با لحاظ ضمانت اجرای انفصال از خدمت، آن را لازم‌الاجرا دانسته، چنانچه ممکن است فرم‌ها و دفاتر موجود ضابطان، ناقص یا بدون توجه به همه موارد مورد نظر قانون‌گذار تنظیم شود. البته وجود دفتر مربوطه هنوز در این ماده مورد تأکید است.

### نوآوری‌های حقوق بزه‌دیده

در فصل مربوط به تکالیف ضابطان، نوآوری‌هایی نسبت به حقوق بزه‌دیده (شاکی) مشاهده می‌شود که در قانون آیین دادرسی کیفری گذشته وجود نداشته است. به نظر می‌رسد این مواد متأثر از جنبش حقوق بزه‌دیدگان و تحولات علمی صورت گرفته و با توجه به عضویت ایران در کنوانسیون‌های بین‌المللی در این زمینه، قید شده است. این نوآوری‌ها عبارت است از:



شرایط پذیرش شکایت شاکی: ماده ۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، قاضیان و ضابطان دادگستری را مکلف به قبول شکایت اعم از کتبی و شفاهی کرده بود. ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ عنوان می‌دارد: «ضابطان دادگستری موظفاند شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می‌شود. ضابطان دادگستری مکلفاند پس از دریافت شکایت، به شاکی رسید تحویل دهند و به فوریت پرونده را نزد دادستان ارسال کنند». تکلیف به ارائه رسید و ارسال فوری پرونده نزد دادستان از نوآوری‌های این ماده نسبت به قانون گذشته است. به نظر می‌رسد قانون‌گذار، در این ماده، درصدد وضع تأسیس حقوقی جدیدی است تا مردم ابتدا شکایت خود را به ضابطان مربوط تقدیم کنند. افزایش حجم امور ضابطان، تحریک طرف دیگر به اعلام شکایت و دشواری صلح‌وسازش قبل از ارجاع به مراجع قضایی، افزایش پرونده‌های کیفری از جمله مشکل‌های فراروی ضابطان در اجرای این ماده است. با این وصف، از منظر جرم‌شناسی، ارائه رسید و ارسال فوری پرونده نزد دادستان، نوعی التیام برای بزه‌دیدگان تلقی می‌شود که با اعلام شکایت شفاهی و گرفتن رسید، تا حدودی آرامش بزه‌دیده فراهم آمده و امید به اجرای عدالت و احقاق حق در وی افزایش و موجب پیشگیری از انتقام و جرم دیگری را فراهم می‌آورد.

پرهیز از افشای هویت و محل اقامت بزه‌دیده و حمایت از وی در برابر تهدیدها: ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان و سایر اشخاص مرتبط با پرونده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است». گرچه افشای هویت اصحاب پرونده اقدامی غیراخلاقی و آسیب‌زا است، اما در قوانین گذشته به صراحت آن را ممنوع نکرده و فقط در مرحله صدور حکم در دادگاه، ممنوعیت‌هایی برای انتشار جریان دادرسی توسط رسانه‌ها را مقرر کرده بود. این ماده از نوآوری‌های این قانون تلقی می‌شود.

کارکنان نیروی انتظامی برابر ماده ۲۶ و ۲۷ قانون جرائم و مجازات نیروهای مسلح، مجاز به افشاء اسناد طبقه‌بندی شده نیستند و افشای محتویات پرونده که طبقه‌بندی محرمانه دارد، ممنوع و مستوجب ضمانت اجراست، اما باید توجه داشت موضوع مواد ۲۶ و ۲۷ ناظر به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی مانند جاسوسی است و این مواد، مشمول طبقه‌بندی محرمانه نیست، هرچند در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، افشای اطلاعات محرمانه را مستوجب تنبیه انضباطی می‌داند، بنابراین این ماده نسبت به آن قانون نیز دارای نوآوری است.

در ماده ۹۷ این قانون مقرر شده «بازپرس به‌منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام‌کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدام‌های احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند». این ماده، برای اولین بار در نظام قضایی ایران پذیرفته شده که برگرفته از رویه اسناد بین‌المللی از جمله اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است.

گرچه پلیس اقدام‌های احتیاطی را نسبت به برخی اشخاص مانند دیپلمات‌ها، سفیران، مسئولان سیاسی و قضایی انجام و حتی شخصیت‌های برجسته علمی و هسته‌ای را از این حمایت‌ها برخوردار و حفاظت می‌کند، اما اقدامی در خصوص حفاظت از افراد اشاره شده در این ماده ندارد. البته ممکن است برخی زمان‌ها و موقعیت‌ها با وقوع جرائم مهمه مانند قتل، حفاظت از افراد در دستور کار ضابطان باشد یا با تماس با فوریت‌های پلیسی از آنها حفاظت شود، اما این اقدام‌های موقتی، بنابر وضعیت‌ها و مصالح عمومی و امنیتی بوده که با اقدام‌های سلیقه‌ای ضابطان معمول و فاقد نظارت و ضمانت اجراست.

پرهیز از تحمیل هزینه به بزه‌دیده: برابر ماده ۶۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «تحمیل هزینه‌های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه‌دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی تحت هر عنوان بر بزه‌دیده ممنوع است». این

ماده از نوآوری‌های قانون جدید است.

به نظر می‌رسد اقدام‌های قضایی اشاره شده در این ماده حصری نبوده و سایر اقدام‌های قضایی را نیز در بر می‌گیرد، اما تصریحی به سایر وظایف نیروی انتظامی ندارد. هرچند قانون‌گذار در این ماده، تحمیل هزینه بر بزه‌دیده در موارد مقرر را ممنوع کرده ولی ضمانت اجرایی برای آن مشخص نکرده است. با توجه به ماهیت پرداخت این هزینه‌ها و تأکید مسئولان نیروی انتظامی مبنی بر پرهیز از تحمیل هزینه بر مراجعان، به نظر می‌رسد اقدام‌های ضابطان در این زمینه موجب خدشه‌دار شدن شأن و منزلت نیروهای مسلح شده و برابر ماده ۵۵ قانون جرایم و مجازات نیروهای مسلح ممنوع باشد. از سوی دیگر این‌گونه پرداخت‌ها، در برخی مواقع می‌تواند برابر ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری ممنوع باشد.

در مجموع هرچند با تصویب قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی در سال ۸۳، زمینه‌های مثبتی در تغییر دیدگاه قانون‌گذار از رویکرد امنیت‌محوری به سوی شهروندمحوری به وجود آمد، اما مشکل‌ها و مسائل موجود مأموران اجرایی، موجب بی‌اثر شدن رویکرد شهروندمحوری شد. نوآوری‌های مشخص شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز که بیشتر ناظر به رعایت حقوق شهروندی است، از این موضوع جدا نبوده و بی‌توجهی به میزان قابلیت اجرا و نگرش مأموران اجرا، در عمل می‌تواند رویکرد شهروندمحوری را منتفی ساخته و چه بسا رویکرد امنیت‌محوری را تقویت و زمینه تضییع حقوق شهروندی را فراهم آورد. بنابراین، به نظر می‌رسد ابهام‌ها و مشکل‌های فراروی ضابطان در اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ وجود داشته و این مشکل‌ها می‌تواند میزان قابلیت اجرا و نوع نگرش ضابطان را نسبت به نوآوری‌های قانون تغییر دهد.

#### پیشینه

وروایی و بهرامی‌پور (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «الزامات ضابطان دادگستری در رابطه با حفظ حقوق شهروندی در نظام حقوق کیفری ایران» با روش اسنادی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند: موارد حقوق شهروندی از جمله موضوع‌های مربوط به تحت

نظری، بازجویی، ملاقات، رفتار عادلانه، حضور وکیل و موارد دیگر با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری در نظر گرفته شده است.

یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشی با عنوان «بررسی رعایت حقوق شهروندی از دیدگاه فرماندهان و مدیران» انجام و نگرش تعداد ۶۹ نفر از فرماندهان و ۲۳ نفر از معاونان کلانتری‌های شهر مشهد نسبت به رعایت موارد حقوق شهروندی را ارزیابی کردند، نتیجه پژوهش یادشده نشان می‌دهد نگرش فرماندهان و معاونان نسبت به موارد حقوق شهروندی مثبت بوده و همچنین این نگرش مثبت در خصوص جلب همکاری‌های مردم مؤثر بوده است؛ اما به اعتقاد آنان، زیرمجموعه آنها از آگاهی و دانش متوسطی در این زمینه برخوردار هستند.

مرشدی و گلدوزیان (۱۳۹۴)، پژوهشی با عنوان «وضعیت رعایت حقوق شهروندی متهم در مرحله تحقیقات پلیسی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» انجام و ۱۸۳ نفر از کارکنان کلانتری‌های شهر ارومیه در خصوص رعایت حقوق شهروندی را ارزیابی کردند نتیجه پژوهش یادشده نشان می‌دهد: بین ویژگی‌های جمعیتی بجز سطح آگاهی از قانون با رعایت حقوق شهروندی توسط کارکنان کلانتری‌ها رابطه وجود ندارد، اما بین مراحل تحقیقات پلیسی اعم از نحوه احضار و جلب متهمان؛ نحوه بدرقه متهم؛ نحوه بازجویی؛ نحوه تحت نظر دادن، با رعایت حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد.

محمدی (۱۳۹۳)، پایان‌نامه‌ای با عنوان «حفاظت از حقوق شهروندی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری جدید» با اشاره به تحولات جدید آیین دادرسی کیفری به این نتیجه رسید: حفاظت از حقوق شهروندی در آیین دادرسی کیفری ایران با تحولات جدی مواجه است و این تحولات در کیفیت و روش انجام وظیفه ضابطان دادگستری، وظایف بازپرس، وظایف دادستان، تخصیص زمان برای رسیدگی به اتهام متهمان و روش ابلاغ، احضار، رعایت کرامت و حیثیت انسانی افراد، قابل مشاهده است.

### فرضیه‌های پژوهش

براساس مباحث نظری و تشریح نوآوری‌های مربوط به حقوق متهم، بزه‌دیده و تکالیف زمینه‌ای ضابطان در بخش تکالیف ضابطان، فرضیه‌هایی به شرح زیر ارائه شده است:

- ۱- نگرش مثبت ضابطان به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری بیش از حد متوسط است.
- ۲- میزان موافقت ضابطان به قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری بیش از حد متوسط است.
- ۳- بین نوع نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش کارکنان فرماندهی انتظامی شهرستان کاشان شاغل در یگان‌های قضایی و اجرایی به تعداد ۲۸۰ نفر هستند که در نهایت ۲۷۲ نفر مورد توصیف و تحلیل قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. این پژوهش دارای اعتبار صوری است، بدین معنا که مرجع تصمیم‌گیری در ارتباط با شاخص‌های علمی پژوهش، براساس مراجعه به تعداد ۳۰ نفر از کارشناسان مجرب، معاونان و فرماندهان، صورت گرفته است. میزان پایایی در این پژوهش از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ به‌دست آمد.

### یافته‌ها

توصیف متغیرهای شناسایی: میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۳۱/۹۰ سال است. ۱۹/۵ درصد از پاسخگویان کمتر از ۵ سال، ۳۱/۶ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال، ۲۷/۲ درصد بین ۱۰ تا ۱۵ سال و ۲۱/۷ درصد ۱۵ سال و بالاتر در مقام‌های نظامی خدمت کرده‌اند. ۴۶ درصد از افراد شرکت‌کننده در این پژوهش درجه‌دار، ۴۶/۳ درصد افسر جزء و ۷/۷ درصد افسر ارشد هستند. ۷ درصد از آزمودنی‌ها رئیس، ۴/۴ درصد معاون، ۲۵/۴ درصد نگهبان و نیروی قضایی، ۵۱/۸ درصد نیروهای اجرایی و ۱۱/۴ درصد نیروی اداری آماده خدمت به هموطنان خود هستند.

۱۲/۱ درصد زیاد، ۷۵ درصد تاحدی، ۱۲/۵ درصد کم و ۰/۴ درصد ناآشنا با قوانین مرتبط با ضابطان بودند. ۸/۱ درصد از افراد شرکت‌کننده در این پژوهش در حد زیاد با آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ آشنایی دارند. این درحالی است که این آشنایی در میان ۶۷/۶ درصد از آنان در حد متوسط و در ۲۲/۴ درصد در حد کم است. در این میان ۱/۸ درصد هیچ آشنایی با آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ ندارند.

### نوع نگرش ضابطان نسبت به نوآوری‌های مشخص شده ضابطان در قانون

جدول شماره ۱ - نوع نگرش به نوآوری‌های مربوط به تکالیف زمینه‌ای ضابطان

شاخص	مخالفم	تاحدی مخالفم	تاحدی موافقم	موافقم	میانگین
ضابط نبودن سربازان وظیفه	۱۸/۸	۱۱/۸	۲۵/۷	۴۳/۸	۲/۹۴
گرفتن کارت ویژه ضابطان برای اقدام‌های قضایی	۱۴/۳	۱۴/۷	۲۸/۷	۴۲/۳	۲/۹۹
گذراندن دوره آموزشی زیر نظر دادستان برای انجام امور قضایی	۱/۸	۹/۹	۲۶/۵	۶۱/۸	۳/۴۸
صریح، کتبی و با قید مدت اجرا بودن دستورهای قضایی	۷/۷	۱۰/۷	۲۷/۶	۵۴	۳/۲۸
دستگیری متهم و حفظ کردن صحنه جرم مشهود توسط شهروندان	۷	۱۱/۸	۳۴/۹	۴۶/۳	۳/۲۱
بازرسی نکردن اشخاص، اشیا و مکان‌های بی‌ارتباط با جرم	۲۲/۴	۱۷/۳	۳۱/۲	۲۹	۲/۶۷

براساس داده‌های جدول بالا، بیشترین میانگین نگرش موافق ضابطان با نوآوری‌های مربوط به تکالیف زمینه‌ای ضابطان عبارت‌است از: گذراندن دوره آموزشی زیر نظر دادستان برای انجام امور قضایی با میانگین ۳/۴۸ و صریح، کتبی و با قید مدت اجرا بودن دستورهای قضایی با میانگین ۳/۲۸ است.

**جدول شماره ۲ - نوع نگرش به نوآوری‌های مربوط به حقوق متهم**

شاخص	مخالفم	تأحدی مخالفم	تأحدی موافقم	موافقم	میانگین
تفهیم اتهام فوری متهم بعد از دستگیری و اعلام فوری تحت نظر بودنش به دادستان در جرم مشهود	۸/۸	۱۶/۵	۳۱/۲	۴۳/۴	۳/۰۹
اعلام یک ساعت در خارج از وقت اداری به مقام قضایی مبنی بر اینکه شخص تحت نظر است.	۱۶/۵	۲۴/۳	۳۲/۷	۲۶/۵	۲/۶۹
حضور وکیل در یگان‌های انتظامی برای ملاقات با شخص تحت نظر	۲۵/۴	۳۲	۲۷/۹	۱۴/۷	۲/۳۲
اعلام تحت نظر بودن متهم در یگان انتظامی به خانواده‌اش	۱۱/۴	۲۵/۷	۳۹/۳	۲۳/۵	۲/۷۵
اعلام مشخصات و علت تحت نظری فرد ظرف یک ساعت به دادسرا	۱۶/۹	۳۰/۵	۳۱/۶	۲۱	۲/۵۷
در اختیار گذاشتن امکانات لازم ارتباطی جهت ارتباط فرد تحت نظر با خانواده یا بستگانش.	۲۱/۳	۲۸/۷	۳۳/۸	۱۶/۲	۲/۴۵
حضور پزشک برای معاینه شخص تحت نظر	۱۴	۲۵/۴	۳۶	۲۴/۶	۲/۷۱
تفهیم حقوق قانونی به فرد تحت نظر و اخذ رسید	۲۱/۳	۲۳/۵	۲۳/۱	۲۲/۱	۲/۵۶
قید شرایط مکانی و زمانی شروع تحت نظری و شرایط شخصی و اظهارات شخص تحت نظر در صورت جلسه با امضا یا اثر انگشت وی	۱۶/۲	۲۳/۲	۳۱/۶	۲۹	۲/۷۴

براساس داده‌های جدول بالا، بیشترین نگرش مثبت ضابطان با نوآوری‌های مربوط به حقوق متهم، تفهیم اتهام فوری متهم بعد از دستگیری و اعلام فوری تحت نظر بودنش به دادستان در جرم مشهود با میانگین ۳/۰۹ و اعلام تحت نظر بودن متهم در یگان انتظامی به خانواده با میانگین ۲/۷۵ است.

**جدول شماره ۳ - نوع نگرش به نوآوری‌های مربوط به حقوق بزه‌دیده**

شاخص	مخالفم	تأحدی مخالفم	تأحدی موافقم	موافقم	میانگین
تحويل رسید شکایت به بزه‌دیده و ارسال فوری پرونده نزد دادستان	۱۵/۱	۱۸/۴	۳۱/۶	۳۴/۹	۲/۸۶
پرهیز از افشاء هویت و محل اقامت اصحاب پرونده و افراد مرتبط	۲/۹	۸/۵	۳۰/۱	۵۸/۵	۳/۴۴
انجام اقدام‌های احتیاطی و مراقبتی برای حمایت از بزه‌دیده	۴/۸	۱۱	۴۱/۲	۴۳	۳/۲۲
پرهیز از تحمیل هزینه‌های ناشی از جرم به بزه‌دیده	۱۱/۸	۱۶/۵	۳۰/۹	۴۰/۸	۳/۰۱

براساس داده‌های جدول بالا، بیشترین نگرش مثبت ضابطان با نوآوری‌های مربوط به حقوق بزه‌دیده، پرهیز از افشاء هویت و محل اقامت اصحاب پرونده و افراد مرتبط، با میانگین ۳/۴۴ و انجام اقدام‌های احتیاطی و مراقبتی برای حمایت از بزه‌دیده، با میانگین ۲/۷۵ است.

**جدول شماره ۴- توصیف ابعاد و مفهوم نگرش نسبت به نوآوری‌های قانون**

مفاهیم	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
تکالیف ذاتی و اجرایی ضابطان	۲۷۲	۱	۴	۳/۰۷	۰/۶۵۷
تکالیف ضابطان نسبت به متهم	۲۷۲	۱	۴	۲/۶۵	۰/۷۱۴
تکالیف ضابطان نسبت به بزه‌دیده	۲۷۲	۱	۴	۳/۱۳	۰/۶۷۱
نوع نگرش نسبت به نوآوری‌های قانون	۲۷۲	۱/۰۴	۴	۲/۹۵	۰/۵۶۹

براساس اطلاعات جدول بالا، میانگین نوع نگرش ضابطان در رابطه با نوآوری‌های قانون نسبت به جامعه (تکالیف زمینه‌ای) ۳/۰۷، میانگین نوع نگرش ضابطان در رابطه با نوآوری‌های قانون نسبت به حقوق متهم ۲/۶۵، میانگین نوع نگرش ضابطان در رابطه با نوآوری‌های قانون نسبت به حقوق بزه‌دیده ۳/۱۳ و میانگین نوع نگرش ضابطان نسبت به نوآوری‌های قانون ۲/۹۵ است.

**میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های مشخص شده در قانون**
**جدول شماره ۵- میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های مربوط به تکالیف زمینه‌ای ضابطان**

شاخص	اصلا	کم	تاحدی	زیاد	میانگین
ضابط نبودن سربازان وظیفه	۲۱/۳	۲۲/۴	۳۵/۳	۲۱	۲/۵۶
گرفتن کارت ویژه ضابطان برای اقدام‌های قضایی	۱۱	۲۳/۲	۳۹	۲۶/۸	۲/۸۲
گذراندن دوره آموزشی زیر نظر دادستان برای انجام امور قضایی	۸/۸	۲۲/۱	۳۱/۲	۳۷/۹	۲/۹۸
صریح، کتبی و با قید مدت اجرا بودن دستورهای قضایی	۵/۵	۱۶/۹	۳۸/۲	۳۹/۳	۳/۱۱
دستگیری متهم و حفظ کردن صحنه جرم مشهود توسط شهروندان	۱۴/۳	۲۸/۳	۲۷/۲	۳۰/۱	۲/۷۳
بازرسی نکردن اشخاص، اشیا و مکان‌های بی‌ارتباط با جرم	۱۵/۴	۲۵/۷	۳۴/۶	۲۴/۳	۲/۶۸

براساس داده‌های جدول بالا، بیشترین موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های مربوط به تکالیف زمینه‌ای ضابطان، صریح، کتبی و با قید مدت اجرا بودن دستورهای قضایی با میانگین ۳/۱۱ و گذراندن دوره آموزشی زیر نظر دادستان برای انجام امور قضایی با میانگین ۲/۹۸ است.



**جدول شماره ۶- میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های مربوط به حقوق متهم**

میانگین	زیاد	تاحدی	کم	اصلا	شاخص
۲/۹۹	۳۳/۱	۳۹	۲۱/۷	۶/۲	تفہیم اتهام فوری متهم بعد از دستگیری و اعلام فوری تحت نظر بودنش به دادستان در جرم مشهود
۲/۶۴	۲۳/۹	۳۰/۹	۳۰/۱	۱۵/۱	اعلام یک ساعته در خارج از وقت اداری به مقام قضایی مبنی بر اینکه شخص تحت نظر است.
۲/۳۶	۱۳/۳	۳۲/۸	۳۰/۶	۲۳/۲	حضور وکیل در یگان‌های انتظامی برای ملاقات با شخص تحت نظر
۲/۸۱	۲۲/۴	۴۵/۲	۲۳/۵	۸/۸	اعلام تحت نظر بودن متهم در یگان انتظامی به خانواده‌اش
۲/۵۸	۲۰/۲	۳۳/۵	۳۰/۵	۱۵/۸	اعلام مشخصات و علت تحت نظری فرد طرف یک ساعت به دادرسا
۲/۴۲	۱۴	۳۴/۲	۳۱/۲	۲۰/۶	در اختیار گذاشتن امکانات لازم ارتباطی برای ارتباط فرد تحت نظر با خانواده یا بستگان
۲/۵۷	۱۵/۵	۴۰/۶	۲۹/۵	۱۴/۴	حضور پزشک برای معاینه شخص تحت نظر
۲/۴۷	۱۸/۴	۳۰/۵	۳۱/۲	۱۹/۹	تفہیم حقوق قانونی به فرد تحت نظر و اخذ رسید
۲/۷۷	۲۷/۶	۳۳/۵	۲۷/۲	۱۱/۸	قید شرایط مکانی و زمانی شروع تحت نظری و شرایط شخصی و اظهارات شخص تحت نظر در صورت جلسه با امضا یا اثر انگشت وی

براساس اطلاعات جدول بالا، بیشترین موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های مربوط به حقوق متهم، تفہیم اتهام فوری متهم بعد از دستگیری و اعلام فوری به دادستان در جرم مشهود با میانگین ۲/۹۹ است.

**جدول شماره ۷- میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های مربوط به حقوق بزه‌دیده**

میانگین	موافقم	تاحدی موافقم	تاحدی مخالفم	مخالفم	شاخص
۲/۵۸	۲۰/۲	۳۷/۹	۲۲/۱	۱۹/۹	تحویل رسید شکایت به بزه‌دیده و ارسال فوری پرونده نزد دادستان
۳/۰۳	۳۵/۷	۴۰/۴	۱۴/۷	۹/۲	پرهیز از افشاء هویت و محل اقامت اصحاب پرونده و افراد مرتبط
۲/۸۰	۲۶/۱	۴۰/۸	۲۰/۲	۱۲/۹	انجام اقدام‌های احتیاطی و مراقبتی برای حمایت از بزه‌دیده
۲/۶۷	۲۴/۶	۳۵/۷	۲۱/۷	۱۸	پرهیز از تحمیل هزینه‌های ناشی از جرم به بزه‌دیده

براساس داده‌های جدول بالا، بیشترین موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های مربوط به حقوق بزه‌دیده، پرهیز از افشاء هویت و محل اقامت اصحاب پرونده و افراد مرتبط، با میانگین ۳/۰۳ و انجام اقدام‌های مراقبتی برای حمایت از بزه‌دیده، با میانگین ۲/۸۰ است.

**جدول شماره ۸- توصیف ابعاد و مفهوم قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون**

مفاهیم	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
تکالیف زمینه‌ای ضابطان	۲۷۲	۱	۴	۲/۸۱	۰/۶۶۱
تکالیف ضابطان نسبت به متهم	۲۷۲	۱	۴	۲/۶۲	۰/۷۰۲
تکالیف ضابطان نسبت به بزه‌دیده	۲۷۲	۱	۴	۲/۷۷	۰/۷۶۵
قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون	۲۷۲	۱	۴	۲/۷۳	۰/۶۱۷

براساس اطلاعات جدول بالا، میانگین میزان قابلیت اجرایی نوآوری‌های نسبت به تکالیف زمینه‌ای ضابطان ۲/۸۱، میانگین میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های نسبت به حقوق متهم ۲/۶۲، میانگین میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های نسبت به حقوق بزه‌دیده ۲/۷۷ و میانگین میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون از منظر ضابطان ۲/۷۳ است.

**یافته‌های استنباطی**

**جدول شماره ۹- بررسی نوع نگرش ضابطان به نوآوری‌های قانون برحسب مؤلفه‌های ضابطان**

f	sig	R	متغیر پژوهش	مؤلفه‌ها
(آنالیز واریانس یکطرفه)	(معنی‌داری)	(همبستگی)		
-	۰/۰۳۱	۰/۱۳۱	نوع نگرش ضابطان به نوآوری‌های قانون	سن
-	۰/۰۵۷	۰/۱۱۶		سطح تحصیل
۳/۶۷۱	۰/۰۲۷	-		درجه
-	۰/۲۴۴	-۰/۰۷۱		شغل
۲/۶۵۴	۰/۰۷۲	-		یگان خدمتی
-	۰/۶۰۸	۰/۰۳۱		میزان آشنایی با قوانین مرتبط
-	۰/۵۴۵	۰/۰۳۷		میزان آشنایی با قانون آیین دادرسی کیفری
-	۰/۳۰۲	۰/۰۶۳		سن خدمتی

داده‌های جدول بالا بیانگر این است که:

- هرچه سن افراد افزایش می‌یابد، نگرش به آیین دادرسی کیفری مثبت‌تر می‌شود و برعکس؛
- نگرش مثبت به نوآوری‌ها در افسران ارشد بیش‌تر از دو گروه دیگر است.
- بین سن خدمتی، میزان آشنایی ضابطان به قانون آیین دادرسی کیفری، میزان آشنایی ضابطان به قوانین مرتبط، سطح تحصیل، شغل، یگان خدمتی و نوع نگرش به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری رابطه وجود ندارد.

**جدول شماره ۱۰ - بررسی نوع نگرش ضابطان به نوآوری‌های قانون برحسب مؤلفه‌های ضابطان**

f	sig	R	متغیر پژوهش	مؤلفه‌ها
(آنالیز واریانس یکطرفه)	(معنی‌داری)	(همبستگی)		
-	۰/۰۱۷	۰/۱۴۴		سن
-	۰/۱۰۳	۰/۰۹۹		سطح تحصیل
۳/۸۴۰	۰/۰۰۹	-		درجه
-	۰/۲۴۳	-۰/۰۷۰	نوع نگرش ضابطان	شغل
۲/۷۲۱	۰/۰۶۸	-	به میزان قابلیت	یگان خدمتی
-	۰/۶۹۰	۰/۰۲۴	اجرای نوآوری‌ها	میزان آشنایی با قوانین مرتبط
-	۰/۶۳۲	-۰/۰۲۹		آشنایی با قانون آیین دادرسی کیفری
-	۰/۲۰۹	۰/۰۷۶		سن خدمتی

براساس اطلاعات جدول بالا،

- هرچه سن افراد افزایش یابد میزان موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری بیشتر می‌شود؛
- موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌ها در افسران ارشد بیش‌تر از دو گروه دیگر است؛
- بین سن خدمت، میزان آشنایی ضابطان به قانون آیین دادرسی کیفری، میزان آشنایی ضابطان به قوانین مرتبط، سطح تحصیل، شغل، یگان خدمتی و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری رابطه وجود ندارد.

**آزمون فرضیه‌ها**

فرضیه شماره ۱- نگرش مثبت به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری بیش از حد متوسط است.

**جدول شماره ۱۱ - آزمون تفاوت میانگین نگرش ضابطان نسبت به نوآوری‌های**

**قانون آیین دادرسی کیفری**

Sig	Df	آزمون تی یک طرفه	مقدار ویژه	میانگین	تعداد
۰/۰۰۰	۲۷۱	۱۰/۹۱۸	۲/۵	۲/۹۵	۲۷۲

براساس اطلاعات جدول بالا میانگین نگرش ضابطان نسبت به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری (۳/۴۴) بیش از حد متوسط طیف مورد بررسی (۲/۵) است و این تفاوت به لحاظ آماری نیز مورد بررسی است.

فرضیه شماره ۲- میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان، بیش از حد متوسط است.

**جدول شماره ۱۲ - آزمون تفاوت میانگین قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان**

تعداد	میانگین	مقدار ویژه	آزمون تی یک طرفه	Df	Sig
۲۷۲	۲/۷۳	۲/۵	۵/۸۷۱	۲۷۱	۰/۰۰۰

براساس اطلاعات جدول بالا میانگین قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان (۲/۷۳) بیش از حد متوسط طیف مورد بررسی (۲/۵) است و این تفاوت به لحاظ آماری نیز مورد بررسی است. فرضیه شماره ۳- بین نوع نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

**جدول شماره ۱۳ - همبستگی بین نوع نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری قانون آیین دادرسی کیفری**

وابسته		متغیر	
قابلیت اجرایی قانون آیین دادرسی کیفری		نگرش به قانون آیین دادرسی کیفری	
n	sig	Value	مستقل
۲۷۲	۰/۰۰۰	۰/۷۴۹	

با توجه به داده‌های جدول بالا هرچه نگرش به قانون آیین دادرسی کیفری مثبت تر می‌شود، به همان میزان موافقت با قابلیت اجرای آن نیز افزایش می‌یابد همچنین با کاهش نگرش مثبت به قانون آیین دادرسی کیفری، میزان موافقت با قابلیت اجرای آن نیز کم می‌شود.

**بحث و نتیجه گیری**

هدف این پژوهش، شناسایی نوع نگرش ضابطان و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان است و در پی پاسخ به این پرسش بوده که ضابطان چه نوع نگرشی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری دارند و نوآوری‌های پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری به چه میزان از منظر

ضابطان قابل اجرا است؟

در این راستا با مطالعه اسناد و بررسی میدانی و ارزیابی نظرات ۳۰ نفر از کارشناسان و خبرگان نیروی انتظامی شهرستان کاشان، ۲۰ مورد از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در حوزه تکالیف ضابطان در سه حوزه تکالیف زمینه‌ای ضابطان، ۷ مورد، حقوق متهم ۹ مورد و حقوق بزه‌دیده ۴ مورد شناسایی شد و سپس نوع نگرش و نیز قابلیت اجرای آنها از منظر ضابطان ارزیابی شد. بررسی‌ها نشان داد که: نوآوری شناسایی شده نسبت به تکالیف زمینه‌ای ضابطان با میانگین ۳/۰۷، نسبت به حقوق متهم با میانگین ۲/۶۷ و نسبت به حقوق بزه‌دیده با میانگین ۳/۱۳ بوده و در مجموع میانگین نگرش مثبت ضابطان نسبت به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری، ۲/۹۵ و بیش از حد متوسط میانه (۲/۵) است، بنابراین فرضیه این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با یافته‌های یزدانی و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. در ادامه میزان قابلیت اجرای موارد احصا شده از منظر ضابطان مورد ارزیابی قرار گرفت که میزان موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های مربوط به تکالیف زمینه‌ای ضابطان با میانگین ۲/۸۱، مربوط به حقوق متهم با میانگین ۲/۶۲ و مربوط به حقوق بزه‌دیده با میانگین ۲/۷۷ بوده و در مجموع میانگین میزان موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان ۲/۷۳ و بیش از حد متوسط میانه (۲/۵) است و این فرضیه پژوهش را اثبات می‌کند. این نتیجه با یافته‌های محمدی (۱۳۹۳) همسو نیست. همچنین بین نوع نگرش ضابطان و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون رابطه مثبت و معنادار وجود دارد به‌صورتی که به هر میزان نگرش ضابطان مثبت‌تر می‌شود، میزان موافقت با قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون از منظر آنان افزایش می‌یابد و این فرضیه پژوهش را اثبات می‌کند.

در ارتباط با ویژگی‌های جمعیتی پژوهش با نوع نگرش ضابطان و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری، بررسی‌ها حکایت از آن دارد که بین سن و نوع نگرش ضابطان و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری از منظر ضابطان، رابطه وجود داشته و جهت رابطه مثبت است به‌طوری‌که هرچه قدر سن ضابطان افزایش یابد، نگرش آنان مثبت‌تر و میزان موافقت بیشتری با

قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری حاصل می‌شود و برعکس؛ نوع نگرش ضابطان و قابلیت اجرای نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری برحسب درجه ضابطان متفاوت است به طوری که نگرش مثبت و موافقت بیشتر با قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در افسران ارشد بیش‌تر از دو گروه دیگر است. این در حالی است که بین سن خدمتی، میزان آشنایی ضابطان به قانون آیین دادرسی کیفری، میزان آشنایی ضابطان به قوانین مرتبط، سطح تحصیل، شغل و یگان خدمتی با نوع نگرش و میزان قابلیت اجرای نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری رابطه وجود ندارد، این نتیجه با یافته‌های مرشدی و گلدوزیان (۱۳۹۴) همسو است.

### پیشنهادها:

الف- پیشنهادهای پژوهشی: برگزاری همایش‌های علمی کاربردی در زمینه مشکل‌ها و مسائل قانون آیین دادرسی کیفری؛ بررسی ابعاد این مشکل‌ها در سایر مأموران اجرا و فصول قانون.

ب- در رابطه با نوآوری‌های مربوط به تکالیف زمینه‌ای ضابطان: برگزاری دوره‌های ویژه و آموزش‌های ضمن خدمت حقوقی با موضوع آیین دادرسی کیفری؛ استفاده از ظرفیت مراکز علمی و دانشگاهی برون‌سازمانی در ارتقاء توانمندی کارکنان شاغل در یگان‌های قضایی؛ بازنگری در رشته و شرایط ادامه تحصیل براساس یگان خدمتی؛ بازنگری در دستورالعمل‌های انتقالات سراسری و داخلی کارکنان ضابط؛

ج- در رابطه با نوآوری‌های مربوط به حقوق متهم: پیش‌بینی سقف زمانی انتقال متهم در بین یگان‌های قضایی و پلیس‌های تخصصی؛ استخدام ویژه و تخصصی مسئولان تحت نظرگاه با مزایای ویژه؛ پیش‌بینی دستورالعملی برای زمان حضور و کیل، احراز هویت و تنظیم وکالت‌نامه؛ ایجاد شبکه یکپارچه اطلاعات وکلای قوه قضائیه؛ پیش‌بینی دستورالعملی در راستای برقراری ارتباط تلفنی متهم با خانواده یا آگاهی دادن به آنها؛ فرهنگ‌سازی رفتار با متهم با استفاده از داده‌های روان‌شناسی و استفاده از سامانه‌های الکترونیکی در تحت نظر قرار گرفتن متهمان.

د- در رابطه با نوآوری‌های مربوط به حقوق بزه‌دیده: فرهنگ‌سازی و آموزش همگانی پیرامون تعامل و نوع فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در بین کارکنان ناجا و مردم؛ ایجاد و اتصال سامانه الکترونیکی تبادل اطلاعات و پرونده بین یگان قضایی و مراجع قضایی؛ اختصاص هزینه ویژه و وسایل نقلیه مناسب برای اقدام‌های قضایی؛ ایجاد سامانه الکترونیکی پیگیری شکایت‌ها و مطالبه‌های قضایی مراجعان و بزه‌دیده و خصوصی‌سازی برخی از اقدام‌های قضایی.

### منابع

- استفانی، گاتسون (۱۳۷۷). آیین دادرسی کیفری. حسن دادبان (مترجم). جلد اول. تهران: انتشارات علامه طباطبایی.
- پرویزی‌فرد، آیت‌الله (۱۳۹۱). دستگیری متهم بدون دستور قضایی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس. فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۲(۲)، ۷۵-۹۱.
- تدین، عباس (۱۳۹۱). قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی.
- رضوی، محمد (۱۳۹۲). استانداردهای حقوق شهروندی پلیس. چاپ اول. تهران: دانشگاه علوم انتظامی.
- سلیمی، صادق و بخشی‌زاده‌اهری، امین (۱۳۹۳). تحلیل ماده به ماده قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مقایسه با قوانین سابق. چاپ اول. تهران: انتشارات جاودانه-جنگل.
- فرجیها، محمد و یاری، الهیار (۱۳۹۱). اعتبار گزارش‌های مبتنی بر تفتیش و بازرسی ضابطان با رویکردی تطبیقی. فصلنامه کارآگاه. شماره ۱۹.
- کارخیران، محمدحسین (۱۳۹۳). کاملترین مجموعه محشی آیین دادرسی کیفری جدید. چاپ اول. تهران: نشر راه نوین.
- محمدی، محمد اسماعیل (۱۳۹۳). حفاظت از حقوق شهروندی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری جدید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی،

دانشگاه آزاد، واحد شاهرود.

- مرشدی، مسعود و گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). وضعیت رعایت حقوق شهروندی متهم در تحقیقات پلیسی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی. ۵۹-۹۴.

- موالی، سیدقاسم (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی حق حریم خصوصی در اسناد و رویه‌های بین‌المللی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- وروایی، اکبر و بهرامی‌پور، رسول (۱۳۹۴). الزامات ضابطان دادگستری در رابطه با حفظ حقوق شهروندی در نظام حقوق کیفری ایران. فصلنامه کارآگاه. ۲۴-۳۶.

- یزدانی، محمد و پیمانی‌اصل، امیر و جربانی، حمید (۱۳۹۲). بررسی رعایت حقوق شهروندی از دیدگاه فرماندهان و مدیران، فصلنامه دانش انتظامی خراسان جنوبی. ۴۹-۷۷.